

## تغییرات در کاربرد ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی بر اثر تماس با زبان فارسی

عبدالحسین حیدری\*

استادیار زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

## The Changes in the Usage of Azerbaijani Causative Structures due to Contacts with Persian

Abdolhossein Heydari\*

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

Received: 2020/09/05 Accepted: 2021/07/19

10.30473/ijl.2021.54965.1400

## Abstract

The aim of this research is to study causative changes in Azerbaijani due to contact with Persian. The data were collected from Azerbaijani speakers in Ardabil province. The research method is descriptive-analytic. First, the data were classified according to the formal parameters used in studying causative structures. Then, they were analyzed in the framework of two common approaches in language contact phenomenon (Myers-Scotton, 2006; Heine, 2006). Data analysis based on the criteria of code-switching/borrowing differentiation shows that some of Persian causative non-verbal elements have been borrowed by Azerbaijani and some of them appear as code-switched elements in Azerbaijani-Persian bilinguals' speech. The findings were in line with Myers-Scotton's view confirming code-switching/borrowing continuum as a mechanism for accomplishment of borrowing process. The compound sentences with two native compound causative verbs between collected data show that compound causative structure exists in Azerbaijani. Azerbaijani speakers use strategy such as the extending strategy to increase the frequency of compound causative structure matching that of Persian by borrowing and code-switching Persian non-verbal causative elements. Azerbaijani speakers choose among some alternative causative structures, the one corresponding to Persian structure.

**Keywords:** Causative structures, Language contact, Persian, Azerbaijani, Code-switching, Borrowing, Sociolinguistics.

## چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه تغییرات حاصل از تأثیر زبان فارسی بر کاربرد ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی است. داده‌ها از تعاملات زبانی گویشوران ترکی آذربایجانی در استان اردبیل گردآوری و استخراج شده است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا داده‌ها براساس پارامترهای صورتی مطالعه ساخت‌های سببی طبقه‌بندی شد. سپس از منظر دو دیدگاه مطرح در پدیده برخورد زبان‌ها (میرز-اسکاتن، ۲۰۰۶؛ هاینه، ۲۰۰۶) تحلیل گردید. با بررسی داده‌ها براساس معیارهای تمایز وام‌گیری از رمزگردانی، مشخص شد که تعدادی از جزءهای غیرفعلی فارسی به صورت وام‌واژه در ساخت افعال مرکب سببی ترکی آذربایجانی به کار برده می‌شوند؛ در صورتی که سایر جزءهای غیرفعلی فارسی به عنوان عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌ها پدیدار می‌شوند. یافته‌ها در انطباق با دیدگاه میرز-اسکاتن (۱۹۹۳) و (۲۰۰۶) است که فرایند تکمیل و تثبیت راه‌یابی سازه‌ها از یک زبان به زبان دیگر را تحت عنوان پیوستار رمزگردانی-وام‌گیری پیشنهاد کرده است. وجود جملات مرکب با فعل‌های سببی بومی در میان داده‌ها نشان می‌دهد که ساخت سببی تحلیلی با کاربرد محدود در ترکی آذربایجانی وجود دارد. مطابق با دیدگاه هاینه (۲۰۰۶)، گویشوران ترکی آذربایجانی از میان ساخت‌های سببی زبان خود، الگوی منطبق با ساخت متناظر در زبان فارسی را برگزیده‌اند و با وام‌گیری و رمزگردانی جزءهای غیرفعلی فارسی، فراوانی کاربرد ساخت سببی تحلیلی را در زبان خود گسترش داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ساخت سببی، تماس زبانی، فارسی، ترکی آذربایجانی،

رمزگردانی، وام‌گیری، زبان‌شناسی اجتماعی.

## مقدمه

برخورد یا تماس زبانی یکی از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. رخداد پدیده تماس زبانی به بروز و ظهور پیامدهای مختلفی همچون دوزبانگی، وام‌گیری و رمزگردانی زبانی منجر شده است.

زبان‌شناسان بسیاری (هاگن<sup>۱</sup>، ۱۹۵۰؛ توماسون<sup>۲</sup> و کافمن<sup>۳</sup>؛ ۱۹۸۸؛ ترفرزدالر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰ و ... بر این باورند که وام‌گیری یا همان رد و بدل شدن عناصر و مقوله‌های زبانی میان دو جامعه زبانی، طبیعی‌ترین و متداول‌ترین حالت برخورد زبان‌ها است. واژه‌ها اولین عناصر زبانی هستند که در برخورد زبان‌ها به زبان وام‌گیرنده انتقال پیدا می‌کنند، اما اگر فشار فرهنگی از سوی گویشوران زبان مبدأ طولانی‌مدت و شدید باشد، به دوزبانگی گسترده در جامعه وام‌گیرنده منجر می‌شود و به دنبال آن ممکن است وام‌گیری دستوری و حتی وام‌گیری واجی اتفاق بیفتد (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸: ۳۷).

از دیدگاه میرز-اسکاتن<sup>۵</sup> (۱۹۹۳، ۲۰۰۶) معمولاً یک واژه در زبان وام‌گیرنده، ابتدا در گفتار دوزبان‌ها ظاهر می‌شود که از آن به‌عنوان واژه رمزگردانی شده یاد می‌شود و به تدریج همین واژه با کسب بسامد بالا، به گفتار یک‌زبان‌ها نیز راه می‌یابد و به وام‌واژه تبدیل می‌شود؛ بنابراین ریشه وام‌گیری در اکثر موارد به رمزگردانی زبانی برمی‌گردد. رمزگردانی زبانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در یک جمله یا پاره گفتار دلالت دارد (وان دولم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷: ۱). برای مثال در جمله «آفیس او لارج است»، واژه‌های انگلیسی *office* و *large* به صورت عناصر رمزگردانی شده در درون جمله فارسی به کار رفته‌اند.

برخی از عناصر زبانی نظیر اسم و صفت به سهولت از زبانی به زبان دیگر انتقال می‌یابند، در صورتی که مقوله‌ای مانند فعل به ندرت به زبان دیگر راه پیدا می‌کند؛ زیرا فعل بر سازه‌های دیگر زبانی در ساخت‌های نحوی (گروه، بند و جمله) حاکم است و به آنها حالت می‌دهد. موراووزچیک<sup>۷</sup> (۱۹۷۵) معتقد است فعل به صورت مقوله غیرفعلی همچون اسم به زبان دیگر منتقل می‌شود و پس از انجام فرایند

فعل‌سازی، در نظام فعلی آن زبان قرار می‌گیرد. ولگموت<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) ساخت فعل سبک یا همکرد<sup>۹</sup> را یکی از رایج‌ترین راه‌های انطباق فعل در زبان دیگر معرفی کرده است. فعل زبان مبدأ به‌عنوان جزء غیرفعلی با فعل سبک زبان مقصد ترکیب می‌شود و در نهایت فعل مرکب ساخته می‌شود. فعل‌های مرکب فراوانی مانند ویراژ دادن و استارت زدن در زبان فارسی از طریق همین ساخت فعل سبک تولید شده‌اند. گویشوران ترکی آذربایجانی نیز طبق همین ساخت زبان فارسی، بعد از کپی جزء غیرفعلی (همراه)، فعل سبکی به کار می‌برند که هم‌معنای فعل سبک زبان فارسی است. *elæ-mæx* 'کردن' و *ol-mox* 'شدن' از رایج‌ترین فعل‌های سبک زبان ترکی آذربایجانی هستند که با وام‌گیری جزء غیرفعلی فارسی، فعل‌های مرکبی مانند *tæsis ol-mox* 'تأسیس شدن'، *tænzim elæ-mæx* 'تنظیم کردن'، *ijpæx ver-mæx* 'اجازه دادن' و غیره را، به ترکی آذربایجانی معرفی کرده‌اند (حیدری، ۱۳۹۸: ۶۷). گویشوران ترکی آذربایجانی در میان انبوهی از این افعال مرکب انطباقی، با به کارگیری فعل‌های مرکب سببی همچون *bnyis ol-mox* 'اجازه دادن' باعث شدن و ... تغییرات عمده‌ای را در کاربرد ساخت‌های سببی زبان خود به وجود آورده‌اند.

حالت سببی بیانگر وضعیت علی- معلولی است که در آن کسی یا چیزی موجب وقوع رویداد یا پدیده‌ای گردد (دوکوپره<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸: ۱۴۶). ویلی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) معتقد است همه زبان‌ها دارای ساخت سببی هستند و این ساخت به طرق مختلف در زبان‌های دنیا ظاهر می‌شود. محققان فراوانی (از جمله شیباتانی<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۵؛ کامری<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۹؛ سونگ<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۶) ساخت سببی را براساس پارامترهای صوری و معنایی مطالعه کرده‌اند. کامری (۱۹۸۹) ساخت‌های سببی را طبق پارامترهای صوری، در سه گروه متفاوت سببی‌های تحلیلی (مرکب)، سببی‌های ساختوازی (تکوازی) و سببی‌های واژگانی قرار می‌دهد. دبیرمقدم (۱۳۶۷) نیز در چارچوب طبقه‌بندی محققان پیشین (کامری، ۱۹۸۹؛ شیباتانی، ۱۹۷۵)، ساخت‌های سببی را بر مبنای صوری به دو شاخه اصلی

8. Wohlge-muth  
9. light verb  
10. De Cupere  
11. Whaley  
12. Shibatani  
13. Comrie  
14. Song

1. Haugen  
2. Thomason  
3. Kaufman  
4. Treffers-Daller  
5. Myers-Scotton  
6. Van Dulm  
7. Moravcsik

### مبانی نظری

تمایز وام‌گیری واژگانی از رمزگردانی زبانی، یکی از مباحث چالش‌برانگیز پدیده‌ی تماس زبانی در چند دهه‌ی گذشته بوده است. محققانی نظیر سریده‌هار<sup>۲</sup> (۱۹۸۰)، پاپلاک<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) و میرز-اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶)، از معیارهای مختلفی برای تمایز رمزگردانی از وام‌گیری واژگانی استفاده کرده‌اند. سریده‌هار (۱۹۸۰) معتقد است تمامی گویشوران جامعه‌ی زبانی (دوزبانه‌ها و یک‌زبانه‌ها) عناصر قرضی را به کار می‌برند، درحالی که عناصر رمزگردانی شده تنها در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شوند. پاپلاک (۱۹۸۰) تلفیق واجی/آوایی<sup>۴</sup> را معیار مهم دیگری برای تمایز وام‌گیری واژگانی از رمزگردانی معرفی می‌کند. سازگاری و انطباق عناصر واژگانی با الگوهای واجی زبان پذیرنده بر وام‌گیری واژگانی دلالت دارد اما عدم انطباق واجی/آوایی واژه‌ها نشان‌دهنده‌ی پدیده‌ی رمزگردانی زبانی است.

میرز-اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶) معتقد است معتبرترین معیار برای تشخیص تفاوت بین رمزگردانی و وام‌گیری، به بسامد نسبی و کامل واژه‌ها در زبان میزبان بستگی دارد. عناصر رمزگردانی شده بسامد کمی دارند ولی عناصر قرضی دارای بسامد زیاد یا کامل هستند (پیوستار رمزگردانی-وام‌گیری). بسامد یا فراوانی واژه‌ها در زبان پذیرنده مهمترین عامل یا معیار تمایز وام‌گیری از رمزگردانی زبانی است که تقریباً همه‌ی محققان (سریده‌هار، ۱۹۸۰؛ پاپلاک، ۱۹۸۰؛ میرز-اسکاتن، ۱۹۹۳، ۲۰۰۶) بر آن تأکید دارند. میرز-اسکاتن (۲۰۰۲: ۴۱) وام‌گیری را به دو نوع وام‌گیری فرهنگی<sup>۵</sup> و وام‌گیری کانونی<sup>۶</sup> تقسیم می‌کند. عناصر قرضی فرهنگی بر اشیاء یا مفاهیمی دلالت دارند که در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارد، اما عناصر قرضی کانونی بر اشیاء یا مفاهیمی دلالت دارند که زبان پذیرنده نیز واژگان یا عناصر معادل آنها را در خود دارد؛ بدین ترتیب وام‌گیری کانونی جایگاه متفاوتی نسبت به وام‌گیری فرهنگی دارد. میرز-اسکاتن (۲۰۰۲) پیشنهاد می‌کند که عناصر فرهنگی نباید به عنوان عناصر رمزگردانی شده در نظر گرفته شوند، هر چند فقط یک بار در پیکره‌ی زبان پذیرنده رخ دهند؛ زیرا آن واژه‌ها در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارند و خود به خود وام‌واژه هستند و بخشی از واژگان ذهنی گویشوران آن زبان شده‌اند.

تقسیم کرده است:

(۱) ساخت‌های سببی مرکب (تحلیلی): ساخت‌های سببی مرکب دارای یک بند پایه و یک بند پیرو متممی هستند، مانند: «مادر بچه‌ها را وادار کرد که غذایشان را بخورند.» این جمله‌ی مرکب، دربرگیرنده‌ی سه عنصر اصلی سبب‌ساز (مادر)، سبب‌پذیر (بچه‌ها) و رویداد سببی است.

(۲) ساخت‌های سببی ساده که مشتمل بر سه شاخه است:

(الف) ساخت‌های سببی ریشه‌ای (واژگانی): «علی شیشه را شکست.»

(ب) ساخت‌های سببی تکواژی (ساختواژی): «مادر غذا را به بچه خوراند.» (تکواژ «-ان» به عنوان تکواژ سببی‌ساز)

(ج) ساخت‌های سببی کمکی (همکردی): «نسرین علی را ناراحت کرد.» (صفت + فعل کمکی کردن)

در راستای همین مطالعات، در این پژوهش ابتدا چگونگی راه‌یابی و تثبیت تعدادی از جزءهای غیرفعلی سببی فارسی (اجازه، باعث، مجبور و ...) به گفتار و زبان گویشوران ترکی‌آذربایجانی مطالعه می‌شود. سپس پیامدها و نتایج این افعال مرکب سببی (جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی‌آذربایجانی) در نظام زبان ترکی‌آذربایجانی تحلیل خواهد شد. مطالعات متعددی (از جمله دهقانی، ۲۰۰۸؛ نبی‌فر، ۱۳۹۳) ساخت‌های سببی ترکی‌آذربایجانی را مطالعه کرده‌اند که در بخش پیشینه به یافته‌ها و نتایج تعدادی از این تحقیقات اشاره خواهد شد؛ اما هدف پژوهش حاضر، مطالعه تغییرات حاصل از تأثیر زبان فارسی بر ساخت‌های سببی ترکی‌آذربایجانی است که با پاسخ به پرسش‌های زیر بررسی و تبیین خواهد شد: (۱) آیا گویشوران ترکی‌آذربایجانی ساخت سببی تحلیلی را از زبان فارسی وام گرفته‌اند؟ (۲) چگونه کاربرد ساخت سببی تحلیلی در ترکی‌آذربایجانی با تأثیرپذیری از زبان فارسی گسترش یافته است؟

اصول و فرضیات دو دیدگاه مطرح در پدیده‌ی برخورد زبان‌ها (میرز-اسکاتن، ۲۰۰۶ و هاینه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶)، چارچوب نظری مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهند. میرز-اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶) پیوستار رمزگردانی-وام‌گیری را به عنوان مکانیزمی برای تکمیل و تثبیت راه‌یابی عناصر از زبانی به زبان دیگر پیشنهاد داده است. هاینه (۲۰۰۶) نیز انطباق الگوهای نحوی در پدیده‌ی برخورد زبان‌ها را تبیین کرده است که در ادامه، این دو دیدگاه بررسی می‌شود.

2. Sridhar  
3. Poplack  
4. phone/phonological integration  
5. cultural borrowing  
6. core borrowing

1. Heine

آرایش نحوی جمله در گویش قاشقا-دریا، الگوی SVO بود و الگوی SOV فقط در بافت‌های خاص کاربرد داشت. اما به تدریج گویشوران قاشقا-دریا با تأثیرپذیری از زبان‌های هندواروپایی مانند زبان فارسی، تاجیکی و زبان‌های ترکی همچون زبان ازبکی، استفاده از الگوی SOV را گسترش داده‌اند و اینک این الگو را در بافت‌های جدید زیادی نیز به کار می‌برند.

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در باب ساخت سببی ترکی آذربایجانی انجام شده است. کتاب‌های دستور زبان ترکی آذربایجانی (فرزانه، ۱۳۵۷؛ احمدی‌گیوی، ۱۳۸۳) تقسیم‌بندی‌های مختلفی از افعال سببی در این زبان ارائه کرده‌اند. تحقیق‌هایی نظیر دهقانی (۲۰۰۸)، نبی‌فر (۱۳۹۳) و یلچی (۱۳۹۸) ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی را براساس پارامترهای صوری و معنایی مطالعه کرده‌اند. فرزانه (۱۳۵۷: ۱۲۳) از افعال سببی تحت عنوان افعال اجباری نام می‌برد که با افزودن پسوند‌های سبب‌ساز [dur/dür-dir/dir] ساخته می‌شوند، مانند تبدیل ye-mæx 'خوردن' به ye-dir-mæx 'خوراندن'.

احمدی‌گیوی (۱۳۸۳) بر دو نوع فعل سببی در ترکی آذربایجانی تأکید دارد:

۱) فعل سببی دستورمند: فعلی است که با افزودن یک پسوند سبب‌ساز (dir و امثال آن) به فعل گذرا و گاهی اوقات با افزودن دو پسوند سبب‌ساز به فعل ناگذر ساخته می‌شود (سببی مضاعف)، برای مثال تبدیل pişir-mæx 'پختن' به pişir-dir-mæx 'پزاندن' و تبدیل otür-mox 'نشستن' به otür-t-dir-mox 'امر به نشاندن کردن'.

۲) فعل سببی نادستورمند: فعلی است که صورت ساده و اصلی آن سببی است و نیازی به افزودن پسوند سبب‌ساز نیست، مانند yollb-mox 'فرستادن'، yovlbo-mox 'مالیدن'.

دهقانی (۲۰۰۸) محدودیت‌های سببی‌سازی را در زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی به صورت مقابله‌ای بررسی کرده است. او معتقد است در ترکی آذربایجانی علاوه بر الگوی ساختوازی، از الگوی نحوی نیز برای بیان سببیت استفاده می‌شود. در الگوی نحوی، فعل سببی شده در بند متمم فعل مرکب باعث شدن قرار می‌گیرد. ترک‌زبانان این

مطالعات مختلفی تغییرات نحوی حاصل از تماس زبان‌ها را در نقاط مختلف جهان بررسی و تحلیل کرده‌اند. هاینه (۲۰۰۶) با بررسی یافته‌ها و نتایج اکثر مطالعات درباره تماس زبان‌ها اظهار کرده است که گویشوران زبان بدل<sup>۱</sup> به دنبال تماس با زبان مدل<sup>۲</sup>، آرایش نحوی جدید و بیگانه با نظام زبانی خود را به کار نبرده‌اند. در مطالعه هاینه (۲۰۰۶) به دلیل عدم رد و بدل شدن ماده زبانی بین زبان‌های درگیر در پدیده تماس زبانی، از اصطلاح‌های زبان مدل و زبان بدل به جای زبان وام‌دهنده و زبان وام‌گیرنده استفاده شده است. از نظر هاینه (۲۰۰۶) آنچه که گویشوران زبان بدل در نتیجه تماس با زبان مدل انجام می‌دهند، یک نوع تغییر در کاربرد ساخت‌های نحوی زبان بومی و سازماندهی مجدد آنها است. گویشوران زبان بدل از میان دو یا چند ساخت نحوی جایگزین<sup>۳</sup> موجود در زبان خود، یک ساخت نحوی انتخاب می‌کنند که با ساخت نحوی مشابه و متناظر در زبان مدل، انطباق کامل دارد و آن را در بافت‌های گوناگون به کار می‌برند.

هاینه (۲۰۰۶) با ارائه شواهدی از تغییرات در ترتیب سازه‌های ساخت‌های نحوی متأثر از پدیده تماس زبانی در زبان‌های مختلف، راه‌کارهایی (گسترش<sup>۴</sup>، تخصیص<sup>۵</sup>، تغییر از یک نوع ساخت به ساخت دیگر<sup>۶</sup> و بی‌نشانی گفتمانی<sup>۷</sup>) معرفی می‌کند که عملکرد آنها به تغییر در نحو زبان بدل در جهت انطباق و هم‌سویی با نحو زبان مدل منجر می‌شود. البته تحقیق حاضر برای تبیین داده‌ها، تنها از راه کار گسترش به عنوان مبنای کار بهره برده است. بنابراین در ادامه، این راه‌کار پیشنهادی هاینه (۲۰۰۶) توضیح داده می‌شود.

راه کار گسترش رایج‌ترین راه کار انطباق ساخت نحوی زبان بدل با ساخت زبان مدل است. فراوانی رخداد الگوهای کم‌کاربرد یا محدود به بافت خاص با بهره‌گیری از این راه کار افزایش می‌یابد و از آنها در بافت‌های زبانی جدید استفاده می‌شود. هاینه (۲۰۰۶) به نقل از چیکووانی<sup>۸</sup> (۲۰۰۵: ۱۳۱) یکی از گویش‌های زبان عربی به نام قاشقا-دریا را مثال می‌زند که در ازبکستان به آن تکلم می‌شود. الگوی غالب

بکار replica. نغزگوی‌کهن و عبدالملکی (۱۳۹۳)، معادل بدل را به جای ۱ برده‌اند (صورت زبانی که در زبان وام‌دهنده، ملاک و الگوی وام‌گیری قرار گرفته است، مدل نامیده می‌شود و صورت متناظر و مشابه آن در زبان پذیرا، بدل نام دارد).

2. model  
3. alternative structures  
4. extending  
5. narrowing  
6. shift from one construction type to another  
7. pragmatic unmarking  
8. Chikovani

چاکنایی در موضع آغازین هجا و قبل از واکه، همچنین در پایان هجای وام‌واژه‌ها حذف می‌شود (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۲).

4) /ʔebdn/ → [ibdn] ابداع

/ʔemln/ → [imln] املا

- هماهنگی واکه‌ای: در این فرایند، یک واکه تحت تأثیر واکه دیگر که در هجای مجاور قرار دارد، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آنها، مختصات واکه هجای مجاور را می‌گیرد. هماهنگی واکه‌ای در ترکی آذربایجانی به مشخصه‌های پسین و گرد مربوط می‌شود.

5) /rɔhæt/ → [rɔhɔt] راحت

### روش پژوهش

داده‌های اصلی این پژوهش از تعاملات زبانی گویشوران ترکی آذربایجانی استخراج شده است. حدود ۱۲ ساعت از پاره‌گفتارهای ۳۰ نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و روستاهای تابعه) ضبط و گردآوری شد. ۱۰ نفر از این گروه تک‌زبان (ترکی آذربایجانی) و از سنین بالای ۵۰ سال بودند. بقیه گروه، غیر از زبان بومی، توانایی تکلم به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه) و سن آنها بین ۱۸ تا ۶۰ سال در نوسان بود. خود دوزبان‌ها دو گروه را شامل می‌شدند: یک گروه ۱۰ نفره تحصیل کرده یا دانشگاهی که مشغول کارهای آموزشی، فرهنگی و اداری بودند و گروه دیگر که از سواد عمومی برخوردار بودند، شغل آزاد داشتند. افزون بر این، برای انطباق داده‌ها با نظام زبان ترکی آذربایجانی، از کتاب‌های دستور زبان ترکی (احمدی گیوی، ۱۳۸۳؛ فرزانه، ۱۳۵۷) و منابع مرتبط با پژوهش ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی (دهقانی، ۲۰۰۸؛ نبی‌فر، ۱۳۹۳؛ یلچی، ۱۳۹۸) نیز استفاده شده است. پس از گردآوری، استخراج و دسته‌بندی داده‌ها، فراوانی آنها در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی مشخص گردید که در بخش‌های بعدی تحقیق آمده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا داده‌ها براساس پارامترهای صوری مطالعات پیشین (کامری، ۱۹۸۹؛ شیباتانی، ۱۹۷۵؛ دبیرمقدم، ۱۳۶۷) طبقه‌بندی شده است. سپس از منظر دو دیدگاه مطرح در پدیده برخورد زبان‌ها (میرز-اسکاتن، ۲۰۰۶؛ هاینه، ۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار گرفته است.

شیوه سببی‌سازی را از زبان فارسی وام گرفته‌اند. نبی‌فر (۱۳۹۳) ساخت‌های سببی در ترکی آذربایجانی را طبق دیدگاه دستور نقش و ارجاع به سه دسته تقسیم کرده و ویژگی‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی آنها را بررسی کرده است:

الف) سببی‌های دارای معنای سببی قوی: vɔdnɔr elæ-mæx 'وآدار کردن'، mæjbur elæ-mæx 'مجبور کردن' و ...

ب) سببی‌های دارای معنای سببی ضعیف: bɔyis ol-mɔx 'باعث شدن'، sæbæb ol-mɔx 'سبب شدن' و ...

ج) سببی‌هایی با معنای امری: xɔhijf elæ-mæx 'خواهش کردن'، tosiyæ elæ-mæx 'توصیه کردن' و ...

یلچی (۱۳۹۸) با مطالعه ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی براساس دیدگاه کامری (۱۹۸۹)، بخ این نتیجه رسیده است که ساخت سببی ساخت‌واژی به دلیل ویژگی پیوندی بودن زبان ترکی، بسیار زیاتر از ساخت‌های سببی دیگر است. او همچنین نتیجه‌گیری کرده که ترکی آذربایجانی ساخت سببی تحلیلی را از زبان فارسی وام گرفته است.

چون در پژوهش حاضر برای تمایز رمزگردانی از وام‌گیری به فرایندهای واجی (افراشتگی، افتادگی، انسدادرفتگی و ...) که به انطباق وام‌واژه‌ها در نظام آوایی ترکی آذربایجانی منجر می‌شوند اشاره خواهد شد، در ادامه همین فرایندها با ارائه نمونه‌هایی از محمودی (۱۳۸۴) تشریح می‌گردد.

- افراشتگی و افتادگی: تبدیل واکه‌های میانه هجاها به واکه‌های افراشته یا افتاده در وام‌واژه‌ها (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۸).

1) /jen/ → [jin] جن

/ɔlə/ → [ɔlə] لاله

- انسدادرفتگی: تبدیل همخوان انسدادی-سایشی /j/ به سایشی [ʃ] در موضع پایانی یا پیش از همخوان‌های دیگر در وام‌واژه‌ها (محمودی، ۱۳۸۴: ۶).

2) /mæjnun/ → [mæznun] مجنون

- تبدیل انسدادی به غلت: در واژه‌های بیش از یک هجا، انسدادی‌ها در موضع میانی و پایانی به غلت تبدیل می‌شوند (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۷).

3) /ʔæjæɾ/ → [æyæɾ] اگر

- حذف همخوان انسدادی چاکنایی: همخوان انسدادی

## تحلیل داده‌ها

### ۱) ساخت‌های سببی فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی

نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) و حیدری (۱۳۹۸) در چارچوب دیدگاه ولگموت (۲۰۰۹) دو راه‌کار عمده ساخت فعل سبک و درج غیرمستقیم را راه‌کارهای اصلی انطباق افعال فارسی در ترکی آذربایجانی معرفی کرده‌اند. بررسی داده‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که افعال سببی فارسی نیز طبق همین دو شیوه مذکور به ترکی آذربایجانی راه یافته است.

**ساخت فعل سبک (همکرد):** گویشوران ترکی آذربایجانی در این روش اسم، صفت، قید یا گروه حرف‌اضافه فارسی را به عنوان جزء غیرفعلی با افعال سبک یا همکردهای زبان خود elæ-mæx 'کردن' و ol-mox 'شدن' و ... ترکیب می‌کنند و به صورت فعل مرکب به کار می‌برند: ol-zæxmi mox 'زخمی شدن'، fæxr elæ-mæx 'فخر کردن'، bød-ɒ ver-mæx 'بر باد دادن'.

در میان انبوهی از افعال مرکب انطباقی، افعال مرکب سببی فراوانی مانند ijɒzæ ver-mæx 'اجازه دادن'، boyis ol-mox 'باعث شدن' و امثال آنها یافت شد که گویشوران ترکی آذربایجانی از طریق این راه‌کار انطباق فعلی (جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی) به زبان خود انتقال داده‌اند.

#### 6) dædæ-m ijɒzæ ver-mæ-di mɒʃin-i

را- ماشین نداد اجازه پدرم

fæhær-æ ɒpɒr-ɒm.

ببرم به-شهر

پدرم اجازه نداد ماشین را به شهر ببرم.

#### 7) müdir biz-i mæzbur elæ-di mædræsæ-nin

مالکیت-مدرسه کرد مجبور را-ما مدیر

hæyæt-in tæmiz-li-æx.

تمیزکنیم را-حیاط

مدیر ما را مجبور کرد (که) حیاط مدرسه را تمیز کنیم.

#### 8) tirɒfik boyis ol-di ev-æ jej yetif-æx.

برسیم دیر به-خانه شد باعث ترافیک

ترافیک باعث شد دیر به خانه برسیم.

#### 9) pɒɒʃ ɒɒm-i tæryib eli-yir yoxçi if-læ-sin.

کارکند خوب می‌کند ترغیب را-آدم پاداش

پاداش آدم را ترغیب می‌کند خوب کار کند.

با دسته بندی و شمارش داده‌ها مشخص گردید که فعل مرکب سببی ijɒzæ ver-mæx 'اجازه دادن' با ۴۸ مورد کاربرد از بیشترین فراوانی برخوردار است. همچنین کمترین کاربرد، با فراوانی ۶ و ۵ مورد، به ترتیب به فعل‌های مرکب سببی motæɒpʔed elæ-mæx 'متقاعد کردن'، tæryib elæ-mæx 'ترغیب کردن' تعلق دارد. ترتیب فراوانی کاربرد جزءهای غیرفعلی فارسی که با افعال سبک ترکی آذربایجانی ترکیب شده و افعال مرکب سببی را تشکیل داده‌اند، به صورت زیر است:

اجازه < مجبور < باعث < کمک < خواهش < تشویق < تحریک < دستور < سفارش < نصیحت < توصیه < وادار < متقاعد < ترغیب < ...

**درج غیرمستقیم:** ترکی آذربایجانی یک زبان پیوندی است، بنابراین استفاده از وندهای فعل ساز یکی از رایج‌ترین راه‌ها برای ساخت فعل در زبان ترکی آذربایجانی است. مقولات واژگانی اسم و صفت با استفاده از وندهای فعل ساز ( læ, lɒ, læʃ, lɒʃ و ...) به فعل تبدیل می‌شوند (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۲).

#### 10) a. sæs + læ + mæx = sæslæmæx

صدا کردن = مصدرساز + فعل ساز + صدا

#### b. uzun + lɒʃ + mɒx = uzunlɒʃmɒx

دراز شدن = مصدرساز + فعل ساز + دراز

تعدادی از اسم‌ها و صفت‌های فارسی نیز از طریق همین راه‌کار (اسم و صفت فارسی + وند فعل ساز ترکی آذربایجانی) به زبان ترکی آذربایجانی راه پیدا کرده‌اند.

#### 11) a. kilid + læ + mæx = kilidlæmæx

کلید زدن = مصدرساز + فعل ساز + کلید

#### b. tæmiz + læ + mæx = tæmizlæmæx

تمیز کردن = مصدرساز + فعل ساز + تمیز

بررسی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که گویشوران ترکی آذربایجانی به همین افعالی که از طریق شیوه درج غیرمستقیم به زبان خود انتقال داده‌ند، پسوندهای سبب ساز [dur/dür و dir/dir] بومی را اضافه می‌کنند و به صورت افعال سببی به کار می‌برند. در میان داده‌ها، ده‌ها فعل سببی یافت شد که با استفاده از این روش توسط گویشوران ترکی آذربایجانی ساخته شده بودند. tæmizlædirmæx 'و داشتن کسی به تمیز کردن' با فراوانی ۱۲ مورد و چندین فعل سببی نظیر kilidlædirmæx 'و داشتن کسی به کلید

### الف) سببی ساده

۱) ساخت‌واژی:

16)  $xærb + lət + dir + mɔx = xærb lət dir mɔx$   
 واداشتن کسی به خراب کردن = مصدرساز + سببی‌ساز + فعل‌ساز + خراب

۲) همکردی:

17)  $xærb + elæ - mæx = xæræb elæ - mæx$   
 خراب کردن = مصدرساز - کردن + خراب

### ب) سببی تحلیلی یا مرکب

18)  $sæn bɔyis ol - dun mɔʃin xærb ol - v$ .  
 بشود خراب ماشین شدی باعث تو  
 تو باعث شدی ماشین خراب شود.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، کتاب‌های دستور زبان ترکی آذربایجانی (فرزانه، ۱۳۵۷؛ احمدی‌گیوی، ۱۳۸۳) با تقسیم‌بندی‌هایی که از حالت سببی ارائه کرده‌اند، صرفاً بر وجود ساخت‌های سببی ساده در این زبان صحنه گذاشته‌اند. هرچند سببی ساخت‌واژی نسبت به دو نوع دیگر سببی ساده (واژگانی و همکردی) در ترکی آذربایجانی، فرایند سببی‌ساز زیاده است، اما نمونه‌های فراوانی از هر دو نوع دیگر ساخت سببی ساده نیز در این زبان یافت می‌شود:

الف) واژگانی:  $ɔt - mɔx$ : 'انداختن'،  $yɔt - mɔx$  'مالیدن'  
 ب) ساخت‌واژی:  $ye - dir - mæx$ : 'خوراندن'،  $ye - mæx$  'خوردن'

ج) همکردی:  $yɔxçi elæ - mæx$ : 'خوب کردن'،  $yɔxçi ol - mɔx$  'خوب شدن'

به هر حال پژوهش‌هایی (دهقانی، ۲۰۰۸؛ نبی‌فر، ۱۳۹۳؛ یلچی، ۱۳۹۸ و ...) که ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی را براساس پارامترهای صوری و معنایی بررسی کرده‌اند، بر عدم وجود ساخت‌های تحلیلی (مرکب) در این زبان تأکید دارند. آنها نتیجه‌گیری کرده‌اند که زبان ترکی آذربایجانی ساخت سببی تحلیلی را از زبان فارسی وام گرفته است. کاربرد ساخت سببی تحلیلی در این زبان به دلیل وام‌گیری جزءهای غیرفعلی فارسی (باعث، اجازه، مجبور و ...) و ترکیب آنها با همکردهای ترکی آذربایجانی تحقق یافته است.

### بررسی یافته‌ها

بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن معیارهای تمایز وام‌گیری از رمزگردانی (راه‌یابی

زدن' با فراوانی ۱ مورد، به ترتیب بشتترین و کمترین بسامد را داشتند. فراوانی این نوع فعل‌های سببی در مقایسه با فعل‌های سببی حاصل از راه‌کار اول خیلی کم است.

12) a.  $tæmiz + læ + dir + mæx = tæmiz læ dir mæx$   
 واداشتن کسی به تمیز کردن = مصدرساز + سببی‌ساز + فعل‌ساز + تمیز

b.  $kilid + læ + dir + mæx = kilid læ dir mæx$   
 واداشتن کسی به کلیدزدن = مصدرساز + سببی‌ساز + فعل‌ساز + کلید

صفت‌های زبان فارسی افزون‌براین که با استفاده از شیوه انطباق فعلی (صفت فارسی + وند فعل‌ساز + وند سبب‌ساز ترکی آذربایجانی) به زبان ترکی آذربایجانی منتقل می‌شوند، از طریق راه‌کار همکردی نیز برای بیان سببیت به این زبان وارد می‌شوند. در ساخت‌های سببی همکردی، جفت سببی و غیرسببی مطرح است که تفاوت آنها در همکرد یا فعل سبک است.

13) a.  $tæmiz + ol - mæx = tæmiz læ mæx$   
 تمیز شدن = مصدرساز - شدن + تمیز

b.  $tæmiz + elæ - mæx = tæmiz elæ - mæx$   
 تمیز کردن = مصدرساز - کردن + تمیز

14) a.  $mɔʃin xærb ol - di$   
 شد خراب ماشین

ماشین خراب شد.

b.  $gɔz mɔʃin - i xærb elæ - di$ .  
 کرد خراب را - ماشین گاز

گاز ماشین را خراب کرد.

گویشوران ترکی آذربایجانی با اضافه کردن تکواژهای سببی‌ساز به همین همکردهای افعال مرکب (صفت فارسی + همکرد ترکی آذربایجانی) نیز، ساخت‌های سببی مضاعف تولید می‌کنند.

15)  $mɔʃin - i gɔz - nɔn xærb elæ - t - dir - di$ .

گذشته‌ساز - سببی - سببی - کردن خراب از طریق - گاز را - ماشین  
 او باعث شد که گاز ماشین را خراب کند.

راه‌یابی و انطباق افعال سببی فارسی در ترکی آذربایجانی را می‌توان براساس طبقه‌بندی دبیرمقدم (۱۳۶۷) و درچارچوب طبقه‌بندی محققان پیشین (کامری، ۱۹۸۹؛ شیباتانی، ۱۹۷۵ و ...) به دو زیر شاخه اصلی ساده و تحلیلی یا مرکب تقسیم کرد که شاخه نخست خود دو گونه ساخت‌واژی و همکردی دارد.

خواهش) که در میان داده‌ها فراوانی کاربرد بیشتر دارند، به لحاظ تلفظ نیز دستخوش تغییر و تبدیل شده‌اند تا با نظام آوایی زبان ترکی آذربایجانی انطباق پیدا کنند. اما تلفظ اصلی و تقریباً دقیق جزءهای غیرفعلی فارسی مانند متقاعد، ترغیب و ... هنوز در گفتار گویشوران دوزبانه ترکی آذربایجانی - فارسی تحصیل کرده حفظ شده است و این واژه‌ها با نظام آوایی ترکی آذربایجانی منطبق نشده‌اند.

با توجه به فرایندهای واجی (افراشتگی، افتادگی و ...) که پیش‌تر توصیف شد، می‌توان انطباق جزءهای غیرفعلی (اجازه، مجبور، باعث، کمک و خواهش) در نظام آوایی زبان ترکی آذربایجانی را به صورت زیر توضیح داد:

۱- واکه /e/ در جزء غیرفعلی 'خواهش' بر اثر اعمال فرایند افراشتگی به واکه /i/ تبدیل شده و در فعل مرکب سببی ترکی آذربایجانی به صورت [xɔhiʃ elæ-mæx] 'خواهش کردن' تلفظ می‌شود.

۲- فرایند واجی انسداد رفتگی موجب شده است تا همخوان انسدادی-سایشی جزء غیرفعلی 'مجبور' mæjbur در فعل مرکب ترکی آذربایجانی به /3/ تبدیل شود و به صورت [mæʒbur elæ-mæx] 'مجبور کردن' درآید.

۳- در تبدیل جزء غیرفعلی فارسی /ʔejɔze/ 'اجازه' به [ijɔzæ] در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، چندین فرایند واجی اعمال شده است:

- همخوان انسدادی-چاکنایی /ʔ/ در جایگاه آغازین هجای اول واژه /ʔe.jɔ.ze/ حذف شده است.

- واکه /e/ در هجای اول واژه /ʔe.jɔ.ze/ بر اثر عملکرد فرایند افراشتگی در ترکی آذربایجانی به [i] تبدیل شده است.

- واکه /e/ در جایگاه پایانی هجای آخر واژه /ʔe.jɔ.ze/ به دلیل اعمال فرایند افتادگی توسط گویشوران ترکی آذربایجانی، به [æ] تبدیل شده است.

۴- جزء غیرفعلی فارسی /bd.ʔes/ 'باعث' در ساخت فعل مرکب سببی ترکی آذربایجانی به صورت [bd.yis ol-mɔx] 'باعث شدن' نمود آوایی پیدا می‌کند. در این سازگاری آوایی نیز چند فرایند واجی اتفاق افتاده است:

- همخوان انسدادی-چاکنایی /ʔ/ در آغاز هجای دوم واژه /bd.ʔes/ حذف شده است.

- واکه /e/ در هجای دوم واژه /bd.ʔes/ بر اثر عملکرد فرایند افراشتگی به [i] تبدیل شده است. به دنبال

سازه‌های انتقالی به زبان تک‌زبان‌ها، بسامد کاربرد سازه‌ها و تلفیق واجی/آوایی آنها، بین کاربرد جزءهای غیرفعلی سببی فارسی در میان گویشوران جامعه ترکی آذربایجانی، تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### ۱) راه‌یابی سازه‌های انتقالی به زبان تک‌زبان‌ها

طبق داده‌های گردآوری شده، افعال مرکب سببی ijɔzæ ver-mæx 'اجازه دادن'، mæʒbur elæ-mæx 'مجبور کردن'، bɔyis ol-mɔx 'باعث شدن'، mæx 'کمک کردن' و xɔhiʃ elæ-mæx 'خواهش کردن' با جزءهای غیرفعلی فارسی (اجازه، مجبور، باعث، کمک و خواهش)، در گفتار همه گویشوران (تک‌زبان‌ها و دوزبان‌های ترکی آذربایجانی-فارسی عادی و تحصیل کرده) ظاهر می‌شود؛ درحالی که تعدادی از جزءهای غیرفعلی فارسی (وادار، متقاعد، ترغیب و ...) فقط در گفتار دوزبان‌های ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده نمود پیدا می‌کنند. راه‌یابی واژه‌های انتقالی به حوزه تک‌زبان‌ها حاکی از آن است که آنها جنبه اجتماعی پیدا کرده و بخشی از نظام زبانی زبان پذیرنده شده‌اند.

### ۲) بسامد کاربرد سازه‌ها

با دسته‌بندی داده‌ها مشخص شد که بسامد یا فراوانی کاربرد افعال مرکب سببی با جزءهای غیرفعلی فارسی (اجازه، مجبور، باعث، کمک و خواهش) در مقایسه با برخی از افعال مرکب سببی نظیر motægnɔed elæ-mæx 'متقاعد کردن' و tæryib elæ-mæx 'ترغیب کردن' نسبتاً بیشتر است. در میان داده‌ها، جزءهای غیرفعلی فارسی /اجازه، مجبور، باعث، کمک و خواهش به ترتیب از بیشترین فراوانی کاربرد برخوردار هستند. همان‌طور که در بخش مبانی نظری ذکر شد، همه محققان (سریدهار، ۱۹۸۰؛ پاپ‌لاک، ۱۹۸۰؛ میرز-اسکاتن، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۶) از بسامد عناصر زبانی به عنوان معیاری مهم در تمایز وام‌گیری از رمزگردانی نام برده‌اند. عناصر قرضی در زبان میزبان کاربرد فراوانی دارند، درحالی که بسامد عناصر رمزگردانی شده در گفتار گویشوران کمتر است.

### ۳) تلفیق واجی/آوایی سازه‌ها

پنج جزء غیرفعلی فارسی (اجازه، مجبور، باعث، کمک و



حسن او را تحریک کرده بود (که) به من زنگ بزند. نی‌فر (۱۳۹۳) نیز از فعل‌های *goy-məx* 'گذاشتن' و *gur-məx* 'تحریک کردن' به‌عنوان فعل‌های سببی اجازه‌ای در ترکی آذربایجانی نام می‌برد که در ساخت‌های سببی مرکب به کار برده می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌ها براساس معیارهای تمایز وام‌گیری از رمزگردانی (راه‌یابی سازه‌های انتقالی به زبان تک‌زبانه‌ها، بسامد کاربرد سازه‌ها و تلفیق واجی/آوایی آنها)، مشخص شد که پنج جزء غیرفعلی فارسی (اجازه، مجبور، باعث، کمک و خواهش) به‌صورت وام‌واژه در ساخت افعال مرکب سببی ترکی آذربایجانی به کار برده می‌شوند، درحالی که سایر جزءهای غیرفعلی فارسی به‌عنوان عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌ها پدیدار می‌شوند. یافته‌های تحقیق حاضر در انطباق با دیدگاه میرز-اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶) است که مدعی است معمولاً یک واژه در زبان پذیرنده ابتدا به‌صورت عنصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌ها ظاهر می‌شود و به تدریج همین واژه با کسب بسامد بالا، به گفتار یک‌زبانه‌ها نیز راه می‌یابد و به وام‌واژه تبدیل می‌شود. بنابراین جزءهای غیرفعلی فارسی همچون متقاعد، ترغیب و ... که به‌صورت عناصر رمزگردانی شده در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی نمایان می‌شوند، ممکن است با گذشت زمان و با کاربرد روزافزون توسط گویشوران، به وام‌واژه تبدیل شوند. فرایند انتقال جزءهای غیرفعلی فارسی به نظام زبان ترکی آذربایجانی، نمونه‌ای از فرایند تکمیل و تثبیت راه‌یابی سازه‌ها از یک زبان به زبان دیگر است که میرز-اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۶) تحت عنوان پیوستار رمزگردانی-وام‌گیری پیشنهاد کرده است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مطالعات پیشین (دهقانی، ۲۰۰۸؛ نی‌فر، ۱۳۹۳؛ یلچی، ۱۳۹۸) نتیجه‌گیری کرده‌اند که ساخت سببی تحلیلی در ترکی آذربایجانی وجود ندارد و این زبان ساخت سببی تحلیلی را از زبان فارسی وام گرفته است. اما وجود فعل‌های سببی بومی در جملات مرکب مثال‌های (۱۹ و ۲۰) نشان می‌دهد که ساخت سببی تحلیلی (مرکب) با کاربرد محدود (منحصراً دو فعل) در زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد و این زبان، ساخت سببی تحلیلی را از زبان فارسی وام نگرفته است. گویشوران

فرایند هماهنگی واکه‌ای، همین واکه‌افراشته در ویژگی {پسین} با واکه‌هجای اول همگون شده و به‌صورت [i] درآمده است. [i] یک واکه در زبان‌های ترکی با مشخصه‌های {افراشته و پسین} است. - همخوان یا واج میانجی /y/ به دلیل عدم التقای واکه‌ها، بین هجای اول و دوم واژه /bd.ʔes/ قرار گرفته است و درنهایت همین واژه فارسی در ترکی آذربایجانی به‌صورت [bd.yis ol-məx] 'باعث شدن' تلفظ می‌شود.

۵- گویشوران ترکی آذربایجانی جزء غیرفعلی فارسی /ko.mæk/ 'کمک' را در ساخت فعل مرکب سببی ترکی آذربایجانی به‌صورت [cö.mæy elə-mæx] 'کمک کردن' تلفظ می‌کنند. در این انطباق آوایی فرایندهای واجی زیر رخ است:

- واکه /o/ در هجای اول واژه /ko.mæk/ بر اثر فرایند هماهنگی واکه‌ای در مشخصه {پیشین} با واکه دوم واژه /ko.mæk/ همگون شده و به /ö/ با مشخصه {پیشین و گرد} تبدیل شده است.

- همخوان /k/ در آغاز هجای اول واژه /ko.mæk/ به دلیل قرار گرفتن در جایگاه قبل از واکه {پیشین /ö/ در گفتار گویشوران به‌صورت [c] پیشین ظاهر می‌شود.

- همخوان انسدادی /k/ در پایان هجای دوم واژه فارسی /ko.mæk/ به غلت /y/ تبدیل می‌شود و سرانجام فعل مرکب سببی به‌صورت [cö.mæy elə-mæx] تلفظ می‌شود.

افزون بر فعل‌های مرکب فراوانی مانند *təsis ol-məx* 'تأسیس شدن'، *tənzim elə-mæx* 'تنظیم کردن'، *ijbɔzə ver-mæx* 'اجازه دادن' و ... که دارای جزء غیرفعلی فارسی هستند، در میان داده‌ها، جملات سببی مرکبی یافت شد که گویشوران ترکی آذربایجانی با استفاده از دو فعل سببی بومی زبان خود *goy-məx* 'گذاشتن' با فراوانی ۱۲ مورد و *gur-məx* 'تحریک کردن' با فراوانی ۵ مورد، به کار برده بودند.

19) *dædæ-m goy-mə-dī mæn-dæ olor-mən je-dæm.*

بروم با- آنها هم-من نگذاشت پدرم

پدرم نگذاشت من هم با آنها بروم.

20) *Hæsæn o-ni gur-mij-dī mæn-æ zænɟ vür-sin.*

بزند زنگ به-من تحریک کرده بود را-او حسن

(ساخت سببی تحلیلی) را برگزیده‌اند و با وام‌گیری و رمزگردانی جزءهای غیرفعلی فارسی، فراوانی کاربرد ساخت سببی تحلیلی را در زبان خود افزایش داده‌اند. تغییرات حاصل در کاربرد ساخت‌های سببی ترکی آذربایجانی، به دلیل همگرایی این زبان با زبان فارسی اتفاق افتاده است که از پیامدها و نتایج مستقیم برخورد و تماس زبان‌ها به‌شمار می‌رود. زبان فارسی به‌سبب جایگاه رسمی، فرهنگی، ادبی و ... به‌عنوان زبان زبرین عمل می‌کند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های رده‌شناختی خود را بر اثر پدیده تماس زبانی و تحت پیوستار رمزگردانی - وام‌گیری به سایر زبان‌ها و گویش‌های کشورمان منتقل می‌کند.

ترکی آذربایجانی با وام‌گیری پنج جزء غیرفعلی فارسی (اجازه، مجبور و ...) و رمزگردانی تعدادی از اجزاء غیرفعلی فارسی (تحریک، ترغیب، باعث، کمک و خواهش) و پیوند آنها با همکردهای بومی زبان خود، کاربرد ساخت‌های سببی تحلیلی را در زبان ترکی آذربایجانی افزایش داده‌اند. چنانچه سخنگویان زبان بدل در مطالعه هاینه (۲۰۰۶) کاربرد ساخت‌های نحوی زبان خود را با ساخت‌های نحوی متناظر در زبان مدل مطابقت می‌دهند و موجب گسترش کاربرد آن ساخت‌ها در زبان خود می‌شوند، گویشوران ترکی آذربایجانی نیز از میان ساخت‌های سببی زبان خود (ساده و تحلیلی)، الگوی منطبق با ساخت مشابه و متناظر در زبان فارسی

## منابع

- احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۳). *دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی*. تهران: قطره.
- حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۸). بررسی تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی. *پژوهش‌های زبانی*، دوره ۱۰، شماره ۲، ۶۵-۸۲.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۷). ساخت‌های سببی در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، دوره ۵، شماره ۱، ۷۵-۱۳.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). *مبانی دستور زبان ترکی آذربایجانی*. تهران: انتشارات فرزانه.
- محمودی، بتول (۱۳۸۴). تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری ترک‌زبانان
- تبریز. *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۲، ۱-۱۹.
- نبی‌فر، نسا (۱۳۹۳). بررسی معنایی، نحوی و کاربرد شناختی سببی‌های مرکب در ترکی آذربایجانی. *جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۲، ۲۲۳-۲۴۳.
- نغزگوی کهن، مهرداد و علی عبدالملکی (۱۳۹۳). وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۷، ۹۷-۱۱۳.
- یلچی، واحد (۱۳۹۸). بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در ترکی آذربایجانی براساس الگوی رده‌شناختی کامری. *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، دوره ۵، شماره ۳، ۹۱-۱۱۲.
- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology* (2<sup>nd</sup> Ed). Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- De Cupere, L. (2008). *Limiting the iconic: From the meta theoretical foundations to the creative possibilities of iconicity in language*. Amsterdam: John Benjamin.
- Dehghani, Y. (2008). *Causative construction in Persian and Azari Turkish*. Oxford University Press.
- Haugen, E. (1950). The analysis of linguistic borrowing. *Language*, 26, 210-231.
- Heine, B. (2006). *Contact-induced word order change without word order change* [Working Papers in Multilingualism, Series B, 76]. University of Hamburg: Sonderforschungsbereich 538: Mehrsprachigkeit.
- Moravcsik, E. (1975). Verb borrowing. *Wiener Linguistische Gazette*, 8, 3-30.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: Grammatical structure in codeswitching*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2006). *Multiple voices: An introduction to bilingualism*. Oxford: Blackwell.
- Poplack, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in English termino en español: Toward a typology of code-switching. *Linguistics*, 18, 581-618.
- Shibatani, M. (1975). *A Linguistic study of causative constructions, (syntax and semantics)*. New York: Academic Press.
- Song, J., J. (1996). *Causatives and causation: A universal- typological perspective*. London: Addison Wesley

- Longman.
- Sridhar, S. K. (1980). The syntax and psycholinguistics of bilingual code-mixing. *Canadian Journal of Psychology*, 34(4), 407-416.
- Thomason, S. & T. Kaufman (1988). *Language contact, creolization, and genetic linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Treffers-Daller, J. (2010). Borrowing. In M. Fried, J. O. Östman, & J. Verschueren, (Eds.), *Variation and change: pragmatic perspectives*, (pp. 17-35). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Van Dulm, O. (2007). *The grammar of English-Afrikaans code switching: A feature checking account*. Utrecht: LOT.
- Whaley, L. J. (1997). *Introduction to typology: The unity and diversity of language*. Thousand Oaks: Sage Publication.
- Wohlgemuth, J. (2009). *A typology of verbal borrowing*. Berlin, New York: De Gruyter Mouton.